



بررسی مستندات فقهی درباره نحوه تعامل با رژیم صهیونیستی

اجماع بر تحریم

حسین آجرلو، سید روح الله حاج زگرباشی و سید احسان رفیعی علوی

مسلمانان تشکیل می‌دادند. این سرزمین بخشی از فتوحات اسلامی بوده که از طریق جهاد ابتدایی فتح شده و از آن در حقوق اسلامی به «مفتوحه عنوه» یاد می‌شود که بی تردید بخشی از دارالاسلام تلقی می‌شود. (مقدس الارذیبلی، ۱۴۰۹: ص ۴۷۰)

در حقوق اسلامی، عموماً جهاد (ر.ک: بسیونی رسلان، ۲۰۰۵) به ۲ نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود که نوع اول آن یعنی جهاد ابتدایی با هدف دعوت کفار و مشرکان به اسلام توسط مسلمانان توانمند و مجاهد انجام شود و بنا بر نظر اکثر فقهاء، این نوع جهاد بی‌اذن معصوم مشروعیت ندارد. (سلطان محمدی، ۱۳۸۵: ص ۸۰)

در نوع دوم آن یعنی جهاد دفاعی که امروز در حقوق بین‌الملل از آن به دفاع مشروع یاد می‌شود، تعرض و تجاوز به هر کشور، به عنوان مجوزی برای دفاع و عملی برای جنگ محسوب می‌شود. (آخوندی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۸) آیات زیادی در قرآن کریم بر دفاع از دین و سرزمین اسلامی تأکید دارند. برای نمونه می‌توان به آیاتی همچون «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰)، «وَمَنْ أَعْتَدِي عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ» (سوره بقره، آیه ۱۹۴)، «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (سوره شوری، آیه ۳۹) و «وَلَمَنْ أَتَىٰ ظُلْمًا فَاوْلِيكُمْ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (سوره شوری، آیه ۴۱) اشاره کرد که این آیات دلالت بر مشروعیت اصل دفاع و مقابله به مثل در هر گونه تجاوز از سوی متجاوزان دارد و شامل جهاد دفاعی می‌شود و شکی نیست همه انواع دفاع بویژه دفاع سرزمینی از مصادیق روشن مقابله به مثل است. (برجی، ۱۳۸۶: ص ۵۴)

غیر از قرآن کریم، احادیث فراوانی نیز از معصومین (ع) بر وظیفه مسلمانان برای دفاع از خود و دارالاسلام تأکید دارند. برای نمونه می‌توان به حدیثی از حضرت رسول (ص) اشاره کرد که می‌فرمایند: «إِنَّا لَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَنْ يَكُونَ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يَقَاتِلُ» (عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۸۱۴) و حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «وَاللَّهِ إِنْ أَمْرًا يَمُكِّنُ عَدُوَّهُ مِنْ نَفْسِهِ

کیست؟ اکثر مراجع تقلید در جواب این سوال، کافر را کسی می‌دانند که منکر خدا یا مشرک به وحدانیت او باشد و رسالت حضرت محمد (ص) را قبول نداشته باشد (امام خمینی، بی تا: ص ۸، مسأله ۱۰۶) یا در حقانیت آنان تشکیک کند و نیز کسی که قرآن و دستورات آن را مانند نماز و روزه منکر شود.

کفار از نظر اعتقادی و ایمانی در حقوق اسلامی به بت پرست، مشرک و اهل کتاب تقسیم می‌شوند. (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳: ص ۶۱) سرزمین‌های دارالکفر به لحاظ نوع تعاملی که با دارالاسلام دارند تقسیم‌بندی می‌شوند و عبارت است از: دارالعهد، دارالاعتزال یا دارالحیاد، دارالصلح، دارالامان، دارالهدنه، دارالاستضعاف و دارالحرب. (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: صص ۷۸-۷۹) جز مورد دارالحرب، مسلمان می‌توانند با کفار تعامل و با ایشان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند (ر.ک: جبر، ۲۰۰۴) مشروط به اینکه زیر سلطه ایشان قرار نگیرند.

البته باید خاطر نشان کرد استفاده از این تقسیم‌بندی به معنای پذیرش یک کشور به نام اسرائیل نیست، بلکه در حقوق بین‌الملل اسلامی نهادهایی وجود دارند که به نهادهای نامشروع شناخته می‌شوند و نظام حقوق بین‌الملل اسلامی به لحاظ شناسایی از آن سر باز می‌زند که در ذیل بدان خواهیم پرداخت. تنها از آن جهت که این نهاد از برخی عناصر شکلی دارالحرب است، آن را به دارالحرب تشبیه کرده‌ایم.

در یک تعریف اجمالی دارالحرب به کشورها و سرزمین‌هایی گفته می‌شود که خارج از حوزه و قلمروی دارالاسلام هستند و احکام کفر و غیر اسلامی در آن جاری و ساری باشد، به حدود و مرزهای دارالاسلام تعدی می‌کنند و مسلمانان از آزار ایشان در امان نیستند. وظیفه دارالاسلام در برابر دارالحرب، جهاد دفاعی است. (الشهید الأول، ۱۴۱۴: ص ۷۸)

از دلایل دارالاسلام بودن فلسطین از نظر حقوق اسلامی می‌توان به چند مورد اشاره کرد. بیشترین جمعیت این سرزمین را تساقیل از اشغال آن توسط صهیونیست‌ها،

یکی از مسائل حقوق بین‌الملل اسلامی، مساله روابط با نهادهای جامعه بین‌المللی است. فلسطین یکی از بخش‌های سرزمین اسلامی بوده که تا نیم قرن پیش اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند. اسرائیل نیز بر اساس اندیشه صهیونیسم در یک برنامه درازمدت که شروع آن بیش از یک قرن پیش بوده است، به تدریج اکثر سرزمین‌های فلسطین را به اشغال خود درآورد و موجب قتل و آوارگی مردم آن سرزمین شد.

در تقسیم کشورهای و مرزبندی‌های جغرافیایی از نظر حقوق بین‌المللی، قلمروی تحت حاکمیت هر جامعه انسانی (دولت - کشور)، دارای احکام و ضوابط حقوقی خاصی است و آن سرزمین به وسیله ممیزه‌ها و بر اساس مرزهایی از سرزمین دیگر جدا می‌شود اما اسلام ملاکی را به غیر از مرزهای جغرافیایی برای تقسیم‌بندی سرزمین‌ها مطرح کرده است و آن مرزهای عقیدتی و ایمانی جوامع بشری است. (ر.ک: سفیانی، ۲۰۰۰) این مرزبندی فارغ از نژاد، رنگ، زبان، خاک و... بر مبنای ایمان به اسلام سرزمین‌های تحت سیطره هر قدرت را به ۲ گروه دارالاسلام به عنوان سرزمین مسلمانان و دارالکفر یعنی قلمروی جامعه غیرمسلمانان تقسیم می‌کند. (آخوندی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۸) این بدین معناست که کل عالم اسلام در یک واحد جغرافیایی سیاسی و کل عالم خارج از اسلام با هر عقیده‌ای در واحد جغرافیایی دیگری قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر نظام بین‌الملل از نظر حقوق بین‌الملل اسلامی به ۲ بلوک امت واحد اسلامی و امت واحد کفر تقسیم می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۲) که در بلوک یا قلمروی دارالاسلام شعائر، قوانین و مقررات اسلامی نافذ و جاری است. (آخوندی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۹)

درباره حدود و مرزهای دارالاسلام، از امام موسی کاظم (ع) در حدیثی به این مضمون نقل شده است که دارالاسلام آنجایی است که غلبه با مسلمانان باشد. از این تعبیر می‌توان نتیجه گرفت دارالکفر، جایی است که غلبه در آن با مسلمانان نباشد. (لطیفی پاکده، ۱۳۸۸: ص ۷۸) در اینجا این سوال پیش می‌آید که از نظر اسلام کافر



هر کشوری که دشمن حربی مسلمانان باشد، جهاد با آن واجب است و اگر امکان جهاد به دلیل شرایط و مصلحت اسلامی مقدور نباشد، حداقل از تعامل با آن باید پرهیز کرد. دلیل این امر نیز قاعده میسور یا قدر مقدور است بدین معنا که هرگاه جزئی از حکم شارع ممنوع عملی شود، قسمت‌های دیگر ممکن بر مکلف دایر باشد، البته بر اساس این قاعده، اگر بخشی از یک تکلیف از قدر مقدور خارج باشد، نمی‌توان بخش مقدور را ترک کرد

